

نسبت بهره و بی‌عدالتی در اقتصاد متعارف رهیافتی از اندیشه

اقتصاد اسلامی

امراه امینی^۱

محمد مهدی مجاهدی^۲

سمیه رشیدیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

چکیده

عدالت آرمانی است که در همه نظام‌های اقتصادی و مکاتب مختلف اعم از بشری و الهی جایگاه ویژه داشته و تعاریف و تعبیر متعددی از آن وجود دارد. یکی از عواملی که در اندیشه اسلامی تأثیر نامطلوب بر عدالت اقتصادی دارد، بهره پولی است. رسمیت بخشیدن به بهره پولی با نظر بر ریشه‌های ذهنی و عینی آن بخصوص رجحان زمانی، بر بسیاری از نرخ‌های تعیین‌کننده در اقتصاد مانند نرخ بازدهی سرمایه، نرخ سود بدون ریسک و نرخ تورم تأثیر می‌گذارد. این نرخ‌ها معیارهای فعالیت‌های اقتصادی بوده و بر خروجی‌های اقتصاد مانند پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و در نهایت تولید کل، تأثیر می‌گذارد. عدالت چه در بعد فردی و اجتماعی و چه در بعد بین‌نسلی، مستقیماً تحت تأثیر تصمیمات پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید هر نسل است. وجود نرخ‌های رجحان زمانی و نقدینگی که در بهره منعکس می‌شوند، بر این تصمیمات تأثیر دارد. انتشار پول بدون پشتوانه از هیچ و خلق اعتبار در بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی، عاملی دیگر در جهت بی‌عدالتی می‌باشد. سطح و رشد جمعیت در نتیجه تغییر متغیرهای کلیدی مانند تولید و رشد اقتصادی و از طرفی توزیع فرصت‌های اشتغال از عواملی است که تحت تأثیر اقتصاد بهره‌ای و انتشار بی‌رویه پول بدون پشتوانه دستخوش بی‌عدالتی می‌شود.

واژگان کلیدی: عدالت اقتصادی، بهره و عدالت، ریشه‌های بهره، عدالت بین‌نسلی، جمعیت

طبقه‌بندی JEL: P2 ، E4 ، D63

amrollahamini2511@gmail.com

mojahedi2004@yahoo.com

s.rashidian@aut.ac.ir

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

۲. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

از آرمان‌های بشردست‌یابی به عدالت است. عدالت ارزشی فرازمانی و مکانی است و الزام زندگی بشر چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی است. این دید نسبت به عدالت، به عرصه زندگی اقتصادی افراد هم تسری می‌یابد. در این رابطه اندیشه‌ورزان اقتصادی در طیف‌های مختلف فکری رویکردهای متفاوتی به مفهوم عدالت داشته‌اند. از عدالت به معنی برابری تا رعایت اخلاق در مفهوم عدالت برای فعالیت صحیح اقتصادی در ادبیات اقتصادی دیده می‌شود. عدم اشتراک در تعریف و تعاریف متفاوت از عدالت در برخی موارد صرفاً به بسندگی در ایجاد معیارهای قابل‌فهم از عدالت به‌صورت شاخص‌های برابری و توزیعی نمود یافته است.

این مقاله هدف خود را نه در تبیین اختلاف‌نظرها در مفهوم عدالت بلکه در تحلیل حضور پدیده‌های بروزدهنده بی‌عدالتی قرار داده است. تعریف این مقاله از بیان بی‌عدالتی تکیه بر مفهوم بدیهی بودن عدالت و نقطه مقابل آن بی‌عدالتی است که در ارتباط با پدیده بهره (با منشأها و ریشه‌های بروز آن) آشکار می‌شود. دامنه حضور مفهوم عدالت در کارکردها و تعاملات اقتصادی جامعه در مصارف افراد، مصرف بین‌نسلی، فعالیت اقتصادی، شامل انباشت سرمایه، اشتغال و یا بیکاری، حفظ محیط‌زیست و منابع خدادادی برای برخورداری همه نسل‌ها از موهبت خدادادی، ارتباط تنگاتنگی باریشه‌های بهره دارد.

ارتباط عدالت و نرخ بهره از بعد فردی از نگاه مصرف‌کننده منفرد، برابری مقادیر مصرف فرد در همه دوره‌های زندگی اوست به‌نحوی که مصارف فرد در طول زندگی با فرض درآمد یک‌سان همه دوره‌ها تغییر نکند. در بعد اجتماعی، برخورداری همه در میزان مناسب مصرف از طریق توزیع عادلانه منابع است. همچنین در بعد بین نسلی حداکثرکردن مصرف‌سرانه (به عنوان معیار رفاه) همه نسل‌ها است.

در ادبیات اقتصادی بهره، نرخ هموارکنندگی مصرف به‌عنوان انتخاب فرد برای جانشینی مصرف در دو زمان مختلف، توازن مصرف دو دوره فرد را تغییر می‌دهد. همچنین نرخ ترجیح زمانی به‌عنوان ریشه ذهنی دیگر بهره، عاملی است که مانع از هموارشدن مصرف فرد در دوره‌های مختلف عمر می‌شود. این عامل موجب می‌شود مطلوبیت مصرف فرد، باثبات سایر شرایط در زمان حال، بیشتر از زمان آینده ارزش‌گذاری شده، مصرف‌گرایی بیشتر فرد و بروز روحیه لذت‌جو و سرشت سیری‌ناپذیر انسانی را اولویت بخشی به مصارف حال و تزییع حقوق نسل‌های آتی به نفع خود را فراهم کند. قدرت یافتن برای انحصار در انتشار پول و خلق اعتبار با ماهیت بدهی و جذب ثروت و دارایی حقیقی جامعه از ناحیه اعطای وام، توزیع نابرابر درآمد و ثروت را منجر می‌شود، اشتغال را محدود می‌کند و بیکاری را دامن می‌زند که بی‌عدالتی در حق طیف وسیعی از اقشار جامعه است.

مقاله برای اثبات ادعای خود که چگونه نسبت بی‌عدالتی در اقتصاد با نرخ بهره عجین می‌شود، دلالت‌های خود را در چند بخش تبیین خواهد نمود. مهم‌ترین دلالت بی‌عدالتی بین نسل‌های مختلف و حتی دوره‌های مختلف عمر یک نسل، وجود بهره پولی با توجه ریشه‌های ذهنی و عینی آن یعنی رجحان نقدینگی، رجحان زمانی و بازده سرمایه‌گذاری است.

وجود بهره پولی در بازار، توانایی خلق پول بدون پشتوانه و اعتبار، خود را بر رشد جمعیت، رشد تولید، مصرف و پس‌انداز نمایان می‌کند. نمودهایی که با بررسی هر کدام به عدم رعایت عدالت می‌توان پی‌برد. دلالت اول موضوع جمعیت است. توزیع فرصت‌های اشتغال دلیل دیگری است که وجود بهره به دلیل ترجیحات ذهنی و نقدینگی، باعث بی‌عدالتی بین نسل‌های مختلف می‌شود. مصرف‌گرایی و میل کمتر به پس‌انداز عامل دیگر بی‌عدالتی است. هدف این مقاله تصریح بی‌عدالتی از منظر عوامل ذهنی است که منطبق عقلایی نداشته و صرفاً موجب فاصله گرفتن از معیارهای عدالت اقتصادی در بعد فردی و اجتماعی می‌شود.

مفهوم عدالت در مکاتب و دیدگاه‌های فکری مختلف

عدالت از مفاهیمی است که همواره در زندگی جمعی انسان‌ها تبلور یافته است. ضرورت و التزام آن به‌قدری بدیهی و قابل‌درک است که توضیح واضح‌تری نبوده و تلاش در جهت اثبات ضرورت آن، ممکن است منجر به آسیب به اصل موضوع شود. بدیهی بودن این مفهوم از یک سو موجب می‌شود همه انسان‌ها در همه جوامع و اجتماع‌ها، به‌ضرورت وجود آن اذعان نمایند و از سویی دیگر، تعبیر متفاوت و حتی گاه ضدونقیض بر مصادیق آن قائل شوند. از این رو تلاش این بخش معرفی اجمالی معنای عدالت در مکاتب و پارادایم‌های فکری مختلف است.

عدالت به معنی برابری و نیاز در اندیشه فکری دو مکتب «برابری‌گرایی» و «قراردادگرایی» تأکید می‌شود. مکتب «برابری‌گرایی» عدالت را به معنای برابری موقعیت‌های اولیه، فرصت‌ها و حق می‌داند. مکتب «قراردادگرایی» برحق، تمرکز کرده و منظور از عدالت را، «عدالت‌اجتماعی» می‌داند. «رالز»^۱، از سردمداران این نظریه در تلاش است اصولی را برای عدالت تنظیم کند تا تضاد منافع افرادی که در اجتماع به دنبال بیشتر کردن سهم خود از توزیع خیرات اجتماعی هستند را به‌طور منصفانه حل و فصل نماید (ملکیان، ۱۳۷۶). از آنجایی که او از سنت فلسفی کانت پیروی می‌نماید، بنابراین معرفت ارزش‌ها و حقایق به ذات را نمی‌پذیرد و معتقد است انسان‌ها با گفتگو به توافق رسیده و اصولی را برای زندگی اجتماعی خود تعیین می‌کنند. این «قراردادهای اجتماعی» است که

1. John Rawls

می‌تواند میان افراد ذی‌نفع در جامعه درباره نحوه صحیح توزیع منافع و مسئولیت‌ها منعقد گردد (دانش پژوهان، ۱۳۸۵).

عدالت در دیدگاه مارکسیستی برابری درآمد بعد از کسر مالیات است. حالت افراطی آن کمونیسم است که از هر کس به اندازه توانایی او انتظار مشارکت در تولید و کار و تلاش دارد، ولی درآمدهای همه افراد برابر خواهد بود.

دسته دیگر از نظریات عدالت را برخورداری براساس شایستگی و تناسب در جامعه می‌دانند. طبق نظر نوزویک، برخورداری افراد جامعه ناشی اعمال انفرادی افراد است. به این ترتیب هر نوع نقل و انتقال مالکیتی که از انتخاب‌های آزادانه افراد حاصل شده باشد منصفانه تلقی می‌شود. (نوزیک، ۱۹۷۴)

جیمز بوکانان ۱ هم مانند نوزیک بر نظریه شایستگی تأکید دارد. او چهار متغیر عمده را به‌عنوان متغیرهای اصلی در تعیین درآمد و موقعیت اقتصادی مطرح می‌کند: شانس، انتخاب، تلاش و تولد. (بوکانان، ۱۹۸۶)

تعبیری دیگری از عدالت که به نظریه قیمت عادلانه انجامید، استحقاق و شایستگی و تخصیص منصفانه است، به نحوی که سهم هر فرد از فعالیت اقتصادی با متغیرهای تحت کنترل او رابطه مستقیم داشته باشد، ولی پاداش سهم او لازم نیست با هیچ متغیر برون‌زایی در ارتباط باشد.

نظریه مطلوبیت‌گرایی و اقتصاد رفاه بر نتایج فعالیت‌های اقتصادی تکیه می‌کند و از این‌رو نتیجه محور است. عدالت در این دیدگاه همان کارایی اقتصادی است، یعنی حالتی که توزیع اموال و دارایی‌ها بین افراد به نحوی باشد که مطلوبیت یا رضایت اجتماعی را حداکثر نماید. کارایی اقتصادی مطلوبیت‌گرایی نشأت‌گرفته از اندیشه‌های بنتهام ۲ و استوارت میل ۳، با تأکید بر مطلوبیت نهایی حاصل از درآمد، معتقد است از باید درآمد فردی که مطلوبیت نهایی بیشتری از درآمد خود کسب می‌کند افزایش و درآمد فردی که مطلوبیت نهایی کمتری به دست می‌آورد، کاهش یابد. بنابراین سیاستی که منجر شود افزایش در مطلوبیت عده‌ای بیشتر از کاهش در مطلوبیت عده دیگر باشد، تغییری در جهت کارایی اقتصادی است.

تعبیری دیگری از عدالت، آن را به معنای حداکثرسازی ثروت می‌داند. این بیان که از سوی ریچارد پاسنر^۴ بیان شده، توزیع اموال میان افراد جامعه چنان‌چه ثروت کل را افزایش دهد، عادلانه می‌نامد. اگرچه این تعریف حقوق مالکیت و جبران را در نظر نمی‌گیرد و حتی اگر دزدی و عصب

-
1. James McGill Buchanan
 2. Jeremy Bentham
 3. John Stuart Mill
 4. Richard posner

کارا باشد و ثروت کل را افزایش دهد، آن را مجاز می‌داند، بیشتر موجب بی‌عدالتی است تا عدالت. (صدری، ۱۳۹۱)

نظریه‌ای که طرفدارانی مانند بامول و واریان^۱ دارد، عدالت را حالتی از انصاف خالی از حسادت و رشک می‌داند. طبق نظریه عدالت خالی از حسادت، چنانچه اموال و دارایی‌های جامعه به گونه‌ای توزیع شود که هیچ کس برسید کالایی دیگری رشک و حسادت نبرد و ترجیح ندهد آن سبد را داشته باشد، جامعه به عدالت رسیده است.

اسکاتلر^۲ نظریه عدالت به معنای تخصیص خالی از سرزنش را مطرح می‌کند. این نظریه هم تا حدودی به نظریه خالی از حسادت شبیه است. در این دیدگاه هم چنانچه هرکس در جامعه وظیفه توزیع منابع و اموال و دارایی‌ها را بین افراد جامعه برعهده داشته باشد و هیچ کس نتواند نتیجه کار را مورد سرزنش قرار دهد، توزیع عادلانه بوده و عدالت اقتصادی برقرار است. اسکاتلر در توضیح چگونگی اجرای این نوع عدالت معتقد است اگر هرکس خودش را جای توزیع کننده بگذارد و از خود سوال کند آیا می‌تواند مانند آن فرد عمل کند و اگر پاسخ همه افراد مثبت بود، توزیع عادلانه در جامعه برقرار است.

طبق موازین اسلامی، عدالت اقتصادی در چارچوب حقوق بایسته مربوطه به افراد و اموال مطرح می‌شود و تعیین حق مردم در اموال مشترک، اموال خصوصی و در مبادلات (انتقال اموال) و همچنین تعیین حق خود «مال» در چارچوب موازین اسلامی صورت می‌گیرد. در چنین حالتی عدالت اقتصادی در جامعه برقرار می‌شود. عدالت در دیدگاه اسلامی در چند بعد منابع و ثروت‌های طبیعی، سهم عوامل تولید از محصول، قرار گرفتن اموال در موضع قوام آن‌ها، قابل بررسی است:

منابع و ثروت‌های طبیعی در بعد تساوی و برابری ملاک عدالت است. علامه طباطبایی و شهید مطهری عدالت را برخورداری همه افراد از بهره و سهمی که به‌طور بالقوه در زمین یا اجتماع دارند تا آن را به فعلیت برسانند، تعریف کرده‌اند (تفسیر المیزان). امام علی (ع) به تساوی تقسیم شدن اموال و دارایی‌ها اشاره می‌کند: اگر این اموال ملک شخصی خودم بود به‌طور یکسان تقسیم می‌کردم تا چه رسد به این که این‌ها، مال خدا و مربوط به همه مردم است.^۳ دلیل این امر در تبعیضات بعدی است که می‌تواند ریشه در عدم تساوی امکانات جامعه برای افراد باشد.

از دیدگاه عدالت جوی اقتصاد اسلامی، سهم عوامل تولید از محصول براساس میزان مشارکت آن‌هاست. اسلام طرفدار این اصل است که "محصول تلاش هر کس بایستی به خودش

1. Hal R. Varian & Baumol

2. Andrew Schotler

۳. خطبه ۱۲۶ نهج‌البلاغه، به نقل از نهج‌البلاغه صبحی صالح، ص ۱۰۲

برگردد" (عیوضلو، ۱۳۸۶). کار و تلاش مفید و ارزش‌هایی را که به‌وسیله یک فرد یا گروه به وجود آمده فقط و فقط باید به حساب خود به وجود آورنده یا به وجود آورندگان آن‌ها منظور شود و هرگز به حساب دیگران گذاشته نشود (محمدتقی جعفری، ۱۳۷۸). البته این دیدگاه با آنچه در اقتصاد لیبرال مطرح است متفاوت است چراکه هرگونه عایدی حاصل از عملکرد بازار آزاد مورد تأیید دیدگاه اسلامی نیست، بلکه فقط عملکرد بازاری که شرایط و موازین اسلامی در آن حاکم است عادلانه تلقی می‌گردد.

قرار گرفتن اموال در موضع قوام آن‌ها که موجب کارایی و توازن درآمدی است: منظور از قوام اقتصادی در متون دینی معادل معیار کارایی است. در حوزه تولید همان «کارایی فنی تولید» نامیده می‌شود. براساس شریعت اسلام معیار اصلی در استخراج و بهره‌برداری از منابع و اموال عمومی و بلکه سایر اموال شخصی، بهره‌برداری عاقلانه و در موضع قوام از آن‌هاست. قوام به معنای «ما یقوم به الشیء» است، یعنی «آن‌چه مایه ایستادگی و سبب پایداری، استواری و سامان‌یابی» است. موضوع قوام به معنای موضع مناسب برای رسیدن به آثار مفید هر چیزی است. براساس شریعت اسلام معیار اصلی در استخراج و بهره‌برداری از منابع و اموال عمومی و بلکه خصوصی بهره‌برداری عاقلانه و در موضع قوام آن‌هاست. به بیان اقتصادی، نیل به آثار مفید به معنای استفاده از بهترین موقعیت ممکن از آن است که معادل همان «کارایی فنی» در ادبیات اقتصادی است. بدیهی است تنها در این صورت است که استفاده عاقلانه از مال به عمل آمده است. منظور از کارایی فنی استفاده از کمترین عوامل تولید ممکن برای نیل به محصول مشخص است.

قوام در مصرف معادل «کارایی تخصیصی و توازن درآمدهاست». قوام در حوزه مصرف به معنای رعایت اعتدال است. خداوند که مالک حقیقی اموال است «المال مال الله» و اموال را به صورت ودیعه و امانت در اختیار ما قرار داده (جعل و دائع عند خلقه) که آن‌ها را در موضع قوام بکار بگیریم، در هنگام مصرف مال از ما خواسته است که از اسراف دوری کنیم و از آن‌ها در حد وسط و متعارف بهره‌برداری کنیم. به لحاظ تطبیق با معیارهای متعارف اقتصادی این وضعیت را می‌توان با وضعیت کارایی تخصیصی توضیح داد. منظور از کارایی تخصیصی تولید مطلوبی‌ترین سطح محصول از داده‌های مفروض و معین است (عیوضلو، ۱۳۷۶)

بهره، جمعیت و بی‌عدالتی بین‌نسلی

مدل‌های مطرح رشد اقتصادی در اندیشه کلاسیکی تا نگرش‌های پسا‌کینزی از سال ۱۸۵۰ تا زمان حاضر در طیف وسیع عمل‌گرایی تا نظری محض طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین نسبت به نهایت و غایت حرکت اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاددانان کلاسیک در قالب خوش‌بین و یا بدبین دسته‌بندی

می‌شوند.^۱ این بدبینی و یا خوش‌بینی به آینده اقتصاد سرمایه‌داری راه‌کارهایی را برای عبور از بحران تاریکی آینده اقتصاد سرمایه‌داری طرح می‌کند.

تبیین ماهیت و علل ثروت ملل آدام اسمیت^۲ (۱۷۷۶) با تمرکز بر عرضه اقتصاد و الهام از عقاید طبیعیون برای عدم دخالت در اقتصاد و حرکت تعادلی آن حول محور قوانین طبیعی و تداوم و تکرار آن، قرار می‌گیرد. در اندیشه ریکاردویی^۳ بهره مالکانه و رانت زمین رشد اقتصادی را محدود می‌کند. نظریه نامیدانه مالتوس^۴ (۱۸۲۰) در خصوص رشد جمعیت و مقایسه آن با رشد تولید آینده اقتصاد را در تاریکی فرو می‌برد. توجه استوارت میل بر کنترل جمعیت برای جبران کاهش رشد اقتصادی و رسیدن به وضعیت پایا قابل تأمل است. در این طیف از اندیشه‌های اقتصادی عامل جمعیتی باید محدود و رشد جمعیت باید سرکوب شود. رفاه اقتصادی جامعه انسانی حاضر در گرو کاهش ورودی جمعیت است. هدف قرار گرفتن رفاه نسل حاضر از طریق کاهش خودخواسته روند جمعیت به نوع فهم این طیف از اقتصاددانان به کارکرد اقتصاد بازمی‌گردد.

توجه صرف به عامل عرضه و عدم توجه به عامل انسانی به‌عنوان محور تقاضا با پرداخت دستمزد حداقل معیشت عجین می‌شود. همچنین ورود دست‌نماری در ارائه راه‌کار خودکار کاهش رشد جمعیت و سطح جمعیت که افزایش دستمزد و به‌تبع آن رفاه را به دنبال دارد یک بی‌عدالتی محض به انسان بالفعل و بالقوه در اندیشه سرمایه‌داری کلاسیک است. عدم توجه به امکان تحول فنی رشد و تمرکز بر ادعای رشد هندسی جمعیت و رشد حسابی امکانات چگونه ناعادلانه توانست به انحراف مسیری از منابع علمی کلاسیک اقتصاد به سوی بی‌عدالتی بین‌نسلی کشیده شود تا توصیه علمی را در قطع نسل قرار دهد.

تفسیر پدیده فقر ناشی از عامل اجاره زمین و محدودیت رشد از این ناحیه که به‌درستی اشاره شده است ولی تلاش و توصیه علمی برای بازتعریف مالکیت نشده است باز اقتصاددانان کلاسیک را به صرافت کاهش جمعیت می‌اندازد. توصیه گرفتن بالقوه و بالفعل حل حیات از موجود انسانی به‌عنوان راه‌کار ایجاد یا تداوم رفاه اقتصادی بدبهبی‌ترین نوع بی‌عدالتی است که از درک نادرست

۱. آدام اسمیت، ژان باتیست سه و باستیا اقتصاددانان خوش‌بین و دسته بدبین‌ها مثل رابرت مالتوس، دیوید ریکاردو مارکس و جان استوارت میل هستند. دسته خوش‌بین‌ها به پیروی از عقاید آدام اسمیت عقیده داشتند؛ که اصالت فرد و نظام‌های اقتصادی یا جریان طبیعی اقتصاد، موجب رفاه و خوشبختی جامعه خواهد شد و دسته بدبین‌ها ضمن قبول همان قواعد، اجرای آزاد همان قوانین مکشوفه را موجب فقر و برائت آن، سرانجامی شوم و آینده‌ای تاریک برای جامعه انسانی پیش‌بینی می‌کردند.

2. Adam Smith
3. Ricardo
4. Malthus

فلسفه وجودی انسان نشأت گرفته است. اصرار بر وجود امکانات محدود و نیازهای نامحدود و عدم توجه به قوانین توزیع منابع خدادادی شاکله این تحلیل است. در این راستا هر چند راه حل مارکس و اندیشه‌وران معتقد به او به نقد صریح و تند نظام سرمایه‌داری انجامید ولی برابری و مساوات برداشت شده از مفهوم عدالت، منجر به بی‌عدالتی دیگری در حوزه اجتماع و اقتصاد گردید که تاریخ اقتصادی و اجتماعی بلوک شرق و فروپاشی مکانیسم اقتصادی آن‌جایی برای اثبات این مدعا نمی‌گذارد.

در مقابل اندیشه افراطی کاهش سطح و رشد جمعیت، در بعضی از الگوهای رشد به‌جای بیان نظریه اقتصادی از واژه کشف استفاده شده است. توجه به اقتصاد هنجاری به رشد بلندمدت (به عنوان چگونگی دستیابی به رشد اقتصادی) شده است، به طوری که به تعادل‌هایی که در آن متغیرهای اقتصادی باید با رشد جمعیت برابر است، دست یازیده‌اند. به‌طور مشخص همسو کردن رشد واقعی^۱ و رشد تضمین شده^۲ با رشد طبیعی^۳ اقتصاد که تبلور آن در رشد برون‌زای نیروی کار و یا رشد جمعیت است می‌تواند نمونه بارزی از مقوله کشف عامل رشد در اقتصاد باشد^۴.

در اولین نگرش‌های رشد اقتصادی تقاضا محور با رویکرد پساکینزی می‌توان به تئوری رشد هارود^۵ (۱۹۳۹) و دومار^۶ (۱۹۴۶) اشاره نمود که در آن انعطاف‌ناپذیری تابع تولید امکان تعادل ایستای رشد را صرفاً در شرایط خاص برقرار می‌سازد. در این رابطه رشد تضمین شده و رشد واقعی اقتصاد باید در نهایت با رشد طبیعی اقتصاد که معطوف به رشد جمعیتی است برابر شود. دلیل عدم تعادل در امکان‌ناپذیری برابری نرخ بهره (که در مدل از حاصل تقسیم سهم پس‌انداز به تولید به نسبت موجودی سرمایه به تولید s/a به دست می‌آید) با رشد جمعیت (کیفی و مقداری).

$$n' = n + \lambda$$
تفسیر می‌شود.

در نگرش سولو^۷ (۱۹۵۶) و سوان^۸ به‌عنوان طیف فکری اندیشه نئوکلاسیکی انعطاف‌پذیری تابع تولید چسبندگی نرخ بهره را برای رسیدن به رشد طبیعی اقتصاد فراهم می‌کند و از طریق معادله

1. Actual Growth

2. Warranted Growth

3. Natural Growth

۴. در نقطه مقابل رویکردهایی نیز دیده می‌شود که به نگرش اشاره شده معتقد نیست و نقش عوامل ذهنی نظیر نرخ رجحان زمانی و نرخ بهره و کشش بین زمانی مصرف را حائز اهمیت دانسته اثرات جمعیتی رشد اقتصادی را نادیده می‌گیرند.

5. Harrod, R. F(1939)

6. Domar, E. D, (1946)

7. Solow.M.R(1956)

8. Swan, T.W (1956)

دیفرانسیلی رشد شرط بهینگی و تعادل برقرار می‌شود. همچنین مطابق قانون طلایی انباشت فلپس^۱ اقتصاد در انتخاب مسیر بهینه خود، مسیر رشدی که در آن مصرف سرانه بیشتر نسبت به همه مسیرهای دیگر وجود دارد را دست خواهد یافت. در این راستا چنانچه عامل تنزیل ذهنی یا رجحان زمانی باعث تسریع در مصرف سرانه باشد اقتصاد را از قاعده طلایی انباشت دور می‌کند. همچنین اگر دارایی اقتصاد شامل ثروت فیزیکی و ثروت مجازی (پول) باشد، بازهم دوری از قاعده طلایی انباشت امکان خواهد داشت.

در طیف الگوهای پویای رشد با منشأ انباشت، قضیه‌ترین پایک یا گذرگاه که بیان‌گر افق برنامه‌ریزی بلندمدت مسیر رشدی است که از طریق انباشت بهینه موجودی سرمایه، به دنبال حداکثر ساختن تابع مطلوبیت اجتماعی به عنوان تابعی از مصرف سرانه است. در این راستا تنزیل انتگرال تابع رفاه اجتماعی اقتصاد را از قاعده طلایی رشد متوازن فلپس دور خواهد نمود. رویکردهای متقدم در خصوص رشد با منشأ انباشت موجودی سرمایه را در مقالات ون نیومن^۲ (۱۹۴۵-۱۹۴۶) اینادا^۳ (۱۹۶۴)، کویمانز^۴ (۱۹۶۴)، مک کینزی^۵ (۱۹۶۸)، نیکایدو^۶ (۱۹۶۴) و ساموئلسن (۱۹۶۰) می‌توان دریافت کرد.

عامل بهره و منشأ ذهنی بهره که در نرخ تنزیل اجتماعی نهفته است مصرف بین دوره‌ای فرد و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. توازن مصرف را به نفع مصارف حال تغییر می‌دهد. منابعی که به لحاظ خدادادی برای همه نسل‌ها است را تصرف می‌کند و امکان افزایش موجودی سرمایه برای تداوم موجودی سرمایه سرانه را از اقتصاد سلب کرده در نتیجه باید برای حفظ موجودی سرمایه سرانه ناگزیر به کاهش سطح جمعیت تن دهد. در نتیجه ناکارایی، بی‌عدالتی بین‌نسلی که از تصمیم برای کاهش جمعیت و گرفتن حق حیات از نسل‌های آتی است به منشأ بهره‌گره می‌خورد. خودخواهی برای مصرف بیشتر امروز و ارزش‌گذاری بالاتر مصارف حال، اشباع‌ناپذیری در مصرف به شکل‌گیری بهره و در نهایت بی‌عدالتی بین‌نسلی منجر می‌شود. چون همگان امکان مصارف بالاتر امروز را ندارند ورود سیستم پولی و اعتبار بانکی و دریافت بهره پولی این فرایند را تشدید و بی‌عدالتی را در درون یک‌نسل نیز تنظیم می‌کند. این موضوع در بخش مستقل به آن پرداخته می‌شود.

1. Phelps, E (1966)
2. Von Neumann
3. Inada
4. Winter
5. Mckenzie
6. Nikaído

مکانیسم خلق پول، بهره و بی‌عدالتی

نگرش به فلسفه پول و تعاملات خست‌جوی انسانی در نگهداشت پول زمینه شکل‌گیری موضوع اشباع‌پذیری پول و عدم اشباع‌پذیری آن را در ادبیات اقتصادی فراهم کرده است. طرح مفهومی به نام رجحان و پاداش نقدینگی که ناشی از انگیزه‌های سفته‌بازی و احتیاطی برای پول است، نقش پول در جایگاه وظیفه معاملاتی آن متفاوت می‌شود. نگهداری پول با انگیزه احتیاطی و نیز سفته‌بازی به‌عنوان دو کارکرد دیگر پول در مکتب کینزی منجر به عاملی برای شکل‌گیری بهره پولی با منشأ رجحان نقدینگی و رکود مداوم پولی است. اساسی‌ترین بحث‌ها در این خصوص را باید در اندیشه جامعه‌شناس آلمانی، زیمل در کتاب فلسفه پول جستجو نمود. از دیگر اندیشمندان مطرح در این زمینه، مکتب فکری مارکس است. (بابوی و همکاران، ۱۳۹۶).

کنز پولی که نتیجه اشباع‌ناپذیری از نگهداری پول است منجر به تثبیت نرخ بهره پولی، تخصیص نقض بهینه‌سازی رفتار و فعالیت اقتصادی و نتیجه این دو رکود مداوم پولی و بیکاری است. بستر چنین اقدامی در نظام بانکداری متعارف بسیار مشهود است. در چارچوب نظام بانکی متعارف که به خلق اعتبار اقدام می‌کند، بیش از آن‌چه انواع پول و اسکناس منتشر می‌شود، میزان بیشتری پول تقاضا می‌شود. در حقیقت در این بستر عرضه پول، تقاضای پول را تأمین نمی‌کند بلکه به مثابه یک محرک غیرطبیعی، آن دیگری را ایجاد می‌کند درنهایت به سمت یک افزایش گسترده و بزرگ از تجدید بدهی‌ها اقتصاد هدایت می‌شود. (مجاهدی و عیسوی، ۱۳۹۶)

در بانکداری متعارف با نگهداری تنها بخشی از منابع سپرده‌های سپرده‌گذاران عملاً تقاضاهای سپرده‌گذاران برای دریافت نقدی وجه سپرده‌گذاری شده را از طریق این جزء نگهداری شده پرداخت می‌کند. خلق اعتبار از طریق ادعای واهی وجود پول، ماهیت و مفهوم پول از تعریف کلی آن به منزله یک قرارداد اجتماعی تغییر می‌دهد و آن را از مفهوم اقتصادی آن به‌عنوان پول بیرونی خارج می‌کند، به طوری که نوعاً پول رایج، اعتبار و یا پول درونی است که بدهی بانک به جامعه و بدهی تک‌تک افراد به یکدیگر است. اعتبار از طریق مجموعه ساده‌ای از عملیات دفترداری به خلق اعتبار از هیچ^۲ می‌انجامد. در حقیقت زمانی که یک حساب جاری اعتباری برای وام‌گیرنده ایجاد می‌شود و گیرنده وام به تصور این که وجه وام در حساب او وجود دارد آن را از حساب برداشت نمی‌کند، بانک این امکان را دارد که مجدداً آن را به وام‌گیرنده دیگری به‌صورت اعتباری وام دهد. (مجاهدی و دلالی، ۱۳۹۴) نتیجه چنین اقدامی رواج بهره پولی، بیکاری، توزیع نابرابر درآمد در جامعه، تغییر در نسبت دارایی‌ها و یا تورم و بی‌عدالتی به اقشار متوسط و فقیر جامعه است.

1. Karl Marx
2. Ex nihilo Money Creation

یکی دیگر از نمادهای بلامنازع عدم عدالت بین‌نسلی و حتی درون‌نسلی، چاپ پول بدون پشتوانه است. در رویکرد کلاسیکی، پول وسیله مبادله بوده و جایگاهی به‌عنوان وسیله حفظ ارزش ندارد. پول فی‌نفسه مطلوب نبوده و صرفاً به‌منظور مبادله کالا با کالای دیگر مورد تقاضا قرار می‌گیرد. پس در این دیدگاه پول وسیله مبادله است نه هدف مبادله.

در ادبیات انتشار پول، توجه به دو نکته امکان مصرف شدن تولیدات و دائمی بودن پول باید توجه شود. طبق تئوری مقداری پول، چنان‌چه رشد عرضه پول و رشد تولید برابر باشند، سطح قیمت‌ها بدون تغییر خواهد ماند و به عبارتی تورم یا رشد سطح قیمت‌ها صفر خواهد بود. صرف‌نظر از ایراداتی که به نظریه وارد است مانند ثابت در نظر گرفتن سرعت گردش پول، یکسان فرض کردن تغییر سطح همه قیمت‌ها و جریان علیت از رشد حجم پول به رشد سطح عمومی قیمت‌ها، توصیه سیاستی این معادله، انتشار پول به‌تناسب رشد تولید جهت کنترل سطح عمومی قیمت‌هاست و چیز دیگری از این تئوری نمی‌توان برداشت کرد. از این‌رو رشد حجم پول متناظر با رشد تولید مطلوب است. نکته اساسی که معمولاً دور از نظر می‌ماند، حجم کل نقدینگی اقتصاد است که بخشی در نتیجه افزایش پایه پولی توسط بانک مرکزی و بخشی به دلیل خلق اعتباری است که بر مبنای این پایه پولی و بسته به مقادیر نرخ‌های ذخایر قانونی و احتیاطی و تنزیل مجدد بر سپرده‌های دیداری و بلندمدت ایجاد می‌شود. وجه افتراق پول و تولیدات اقتصاد این است که پول بعد از تولید از بین نمی‌رود ولی تولیدات اقتصاد مصرف می‌شوند. پس بعد از مدتی تولیدات به اتمام رسیده در حالی که پول و اعتباری که به ازای این پول منتشر و خلق شده بود، باقی می‌مانند و منجر به افزایش قیمت تولیدات آینده و به همان نسبت کاهش رفاه نسل‌های آتی خواهد شد.

بنابراین عدالت ایجاد می‌کند پول فقط وسیله مبادله باشد. همان‌طور که پول بعد از تولید از بین نمی‌رود، نباید به‌طور مداوم منتشر و به حجم نقدینگی موجود اضافه شود. بلکه انتشار پول فقط یک‌بار مجاز است. این امر موجب افزایش ارزش واقعی پول می‌شود. از طرفی به دلیل ارزشمندی پول ممکن است از دید اقتصاددانان به‌خصوص طرفداران دیدگاه کینزی با نگاه به رجحان نقدینگی، افراد تمایل به نگهداری پول بدون خرج کردن آن داشته باشند که عامل جمعیتی و رشد تقاضا رکود مورداعای کینزی را برطرف خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش عمده تلاش خود را پس از بررسی مفهوم عدالت در اندیشه‌ها و مکاتب مختلف، بر عوامل مؤثر و مختل‌کننده عدالت اقتصادی نهاده است. در میان عوامل مؤثر، در اقتصاد پولی، وجود بهره پولی بر اساس ریشه‌های ذهنی و عینی آن که مجوزی در جهت مشروعیت بهره پولی

است، دارای تأثیر فراوانی بر متغیرهای اقتصادی مانند نرخ‌های بازده سرمایه و نرخ سود بدون ریسک و همچنین متغیرهای کلان اقتصاد مانند رشد جمعیت، رشد تولید و توزیع فرصت‌های شغلی بین جمعیت جامعه دارد.

انتشار پول بدون پشتوانه تحت قالب پایه پولی و خلق اعتبار براساس نرخ‌های ذخیره قانونی و احتیاطی و تنزیل مجدد، نه تنها مستقیماً بر امکانات در دسترس جامعه در زمان حال تأثیر می‌گذارد، بلکه بر رشد جمعیت، توزیع فرصت‌های شغلی و در نتیجه تولید و سرمایه‌گذاری دوره‌های آینده نیز مؤثر است که در نتیجه مصرف نسل‌های آتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ترسیم بی‌عدالتی بین‌نسلی و درون‌نسلی از مسیر رابطه متغیرها و پارامترهای اقتصادی نشان می‌دهد حرکت در مسیر عدالت در غیرکنترلی بودن متغیر جمعیت و کنترل عرضه پول حاصل می‌شود. بخشیدن حق حیات به نسل‌های بعدی و توازن مصرف بین‌نسلی از طریق عدم وجود بهره ناشی از تنزیل مطلوبیت بین نسلی به دست می‌آید. کنترل منشأ خلق پول و محدودیت انتشار پول عاملی برای افزایش قدرت خرید و همان کارکرد انتشار بیشتر را خواهد داشت. مضافاً این‌که هزینه نگهداری پول به‌جای بهره پولی و نیز پذیرش غیرکنترلی بودن عامل جمعیت کنز پولی و بهره پولی را از میان برداشته رکود و بیکاری با منشأ بهره پولی را به عنوان بی‌عدالتی درون‌نسلی از میان برمی‌دارد.

منابع

۱. بابوی، مجاهدی، محمدمهدی؛ خرسندی، مرتضی (۱۳۹۶) "تحلیل رکود مداوم پولی در اقتصاد ایران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۵، شماره ۸۲
۲. بی‌نا (۱۳۸۵)؛ "نظریه عدالت رالز و منتقدانش"، مجله دانش پژوهان بهار و تابستان، شماره ۸
۳. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۷)، کار و ثروت در اسلام، انتشارات پیام آزادی
۴. صدری، حامد (۱۳۹۱) "معیارهای عدالت اقتصادی، استخراج و مصرف کارا و عادلانه منابع پایان‌پذیر" فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱
۵. عیوضلو، حسین (۱۳۸۶)؛ ارائه شاخص‌هایی جهت ارزیابی عملکرد و تحلیل جهت‌گیری سیاست‌های توسعه در راستای تحقق عدالت اجتماعی، دبیرخانه تشخیص مصلحت نظام
۶. مجاهدی، محمدمهدی؛ عیسوی‌نیا (۱۳۹۶)؛ دلالت‌هایی از اشتراکات کشفی در اندیشه‌های فکری علم اقتصاد، چهارمین کنگره علوم انسانی اسلامی
۷. ملکیان، مصطفی (۱۳۷۶)؛ "عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقلانی"، نقد و نظر، شماره ۱۱-۱۰، ص ۸۰-۸۱.

1. Anarchy Nozick, (1974), State & Utopia
2. Baumol (1982); Applied Fairness theory and Rationality Policy, AER
3. Buchanan James M. (1986), "Liberty, Market, and State", Political Economy, 1980's. NY:NYU. Press, Colombia U.
4. Domar. E. D, (1946) "Capital Expansion, Rate of Growth and Employment", Econometrica. Vol 14, pp.137-147.
5. Hal R. Varian (1974); "Equality, Envy, and Efficiency", Journal of Economic theory, vol.9
6. Harrod. R. F (1939), "An Essay in Dynamic Theory", Economic Journal, vol.49, pp. 14-33.
7. Phelps, E (1966); Golden rules of economic growth, New York
8. Schotler Andrew (1985), Free Market Economics: A critical Appraisal, New York
9. Solow.M.R (1956), "A Contribution to the Theory of Economic Growth", Quarterly Journal of Economics, vol. 70, pp.65-94.
10. Swan, T.W (1956), "Economic Growth and Capital Accumulation", Economic Record, vol. 32, pp. 334-361

